

حزب الله حجاز یک گروه انقلابی است که در دهه ۸۰ به وسیله تعدادی از شیعیان تشکیل شد. این گروه پس از آشتی سازمان حرکه الاصلاحیه با حکومت، اهمیت بیشتری یافت و از سوی شیعیان مورد اقبال بیشتری قرار گرفت.

مقدمه

جنبش‌های اسلامی معاصر، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به یک یا چند عامل از میان عوامل متعددی مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولارسازی شتابزده جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان، شکست الگوهای رقیب مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، بنیادگرایی یهودی، و انحطاط درونی (بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب) و نیز با تکیه بر اسلام به عنوان خاستگاه فکری و الگوی نجات بخش پدید آمده‌اند (۱)

در واقع جنبش اسلامی در عربستان سعودی برخاسته از حرکت محمد بن عبدالوهاب بوده و اکثریت قریب به اتفاق جنبش‌ها و یا حرکت‌های اعتراضی در عربستان بخصوص در اهل سنت معطوف به جنبش محمد بن عبدالوهاب بوده است. در مورد گونه‌شناسی و طبقه‌بندی جنبش‌های اسلام‌گرا در عربستان سعودی معیار دقیق و جامعی که بتواند سنخ و ماهیت شناسی مناسبی از وضعیت جنبش‌های اسلام‌گرا به دست دهد وجود ندارد، اما با این حال اکثر نوشته‌های موجود در این زمینه، این جنبش‌ها را در دو دسته کلی سنی و شیعی تقسیم نموده‌اند که در درون هر گروه بویژه جنبش‌های اهل تسنن گونه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد.

۱- اسلام‌گرایان سنی

اسلام‌گرایان اهل سنت دامنه و طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که تقسیم آنها به سنت‌گرایان، میانه‌روها و اصلاح‌طلبان، معترضین و نهایتاً جهادیون گویا و معتبرتر است که می‌تواند از جامعیت نیز برخوردار باشد. این گروه‌ها از نهادهای وابسته به دولت تا جهاد علیه دولت را شامل می‌شوند که در زیر این تقسیم‌بندی ارائه گردیده است.

۱-۱- سنت‌گرا

منظور از اسلام‌گرایان سنتی یا وهابیت حکومتی یا وهابیت علمی، همان وهابیت مرسوم تاریخی است که تحت عنوان وهابیت کلاسیک شناخته می‌شود. این جریان اصلی از زمان محمد بن عبدالوهاب آغاز شد و زمینه شکل‌گیری سایر شاخه‌های وهابی را فراهم نمود. از پایگاه‌های اصلی این بخش از وهابیت می‌توان به هیات علمای عالی‌رتبه و سازمان امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود.

۱-۱-۱- هیأت کبار العلماء

از جمله ارگان هایی که بر جریانات دینی عربستان تأثیر بسزایی دارد، هیأت علمای عالی رتبه عربستان است. این هیأت تقریباً تنها نهاد دینی عربستان است که به نحوی کلیه فعالیت‌های مذهبی و رسمی از طریق آن انجام می شود. نهاد فوق در زمان ملک فیصل تحت عنوان دارالفتوی و نظارت بر امور دینی تشکیل گردید و ریاست آن بر عهده شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ که در آن زمان مفتی کل عربستان بود نهاده شد. تعداد اعضای هیأت کبار العلماء ۲۱ نفر است که همگی توسط پادشاه تعیین می شوند. این هیأت دارای ارگان های فرعی چون؛ کمیته دائمی تحقیقات علمی و فناوری، دبیرخانه و مجله تحقیقاتی است (۲)

۱-۲- میانه رو و اصلاح گرا

اسلام گرایان میانه رو و از سوی دیگر اصلاح گرا شامل گروههایی است که در ساختار سازمانی خود معتقد به رویه های معتدل در برخورد با مسائل اجتماعی و برخورد با حکومت هستند و بخصوص بعد از سرکوب از سوی دولت در دهه های ۷۰ تا ۹۰ میلادی، مشی اعتراضی خود را تبدیل به مشی گفتگو و چانه زنی نموده اند. از رهبران و اندیشمندانی که این تغییر مشی را در موضع خود داشته اند می توان به شیخ سلمان العوده، صفر الحوالی، عائض القرنی و عوض القرنی اشاره نمود.

۱-۲-۱- الصحوه الاسلامیه

به لحاظ ایدئولوژیک، اسلام گرایان جوان صحوه، ترکیبی از دیدگاه های وهابی سنتی (عمدتاً در مسائل اجتماعی) و رویکرد مسلمانان امروزی تر اخوان (به ویژه در مسائل سیاسی) را مورد حمایت قرار می دادند. آنها خود را به وسیله تمایلشان به بحث در مورد مسائل مهم روز، از نهاد وهابیت متمایز می کردند تا از طریق مباحث ذهنی و انتزاعی الهیاتی آنها برخلاف هم‌تایان رسمی شان، دیدگاهی باز نسبت به تکنولوژی نوین از قبیل ضبط صوت و نوار کاست که سریعاً ابزار اصلی ارتباطی شان شد، داشتند (۳)

تصرف حریم شریف در مکه در سال ۱۹۷۹ توسط جهیمان العتیبی که تا حد زیادی در اثر خشم نسبت به هرزگی آشکار اخلاقی خاندان سلطنتی برانگیخته شد، نقطه عطفی در تکوین صحوه بود. رژیم بیش از آنکه از فرصت برای آغاز یک تغییر سیاسی و اجتماعی بسیار دیر هنگام استفاده کند، نهاد دینی را تقویت کرده و منافع مالی بیشتری را به ارگان های مذهبی به عنوان ابزاری جهت فراخواندن منتقدین خود به همکاری و نیز حفظ و تحکیم مشروعیتش، سرازیر نمود. نتیجه ناخواسته این امر، تقویت صحوه بود که از حضور قوی و موثر خود در بخش آموزش برای بهره برداری از سرمایه های فزاینده استفاده نمود (۴)

روحانیون صحوه به طور روزافزونی در بحث های عمومی شرکت می کردند. آنها موضوعی را برگرفته و با آن از یکسو لیبرال ها را متهم به تضعیف جامعه سعودی از طریق لیبرالیسم می نمودند و از سوی دیگر نهاد وهابیت را به خاطر فقدان علاقه به مسائل روز و در واقع به طور ضمنی به خاطر حمایت بی چون و چرا از رژیم مورد انتقاد قرار می دادند.

معروفترین وعاظ صحوه که در اواخر دهه ۸۰ برجستگی ظاهر یافتند، شامل سلمان العوده، سفر الحوالی، عائض القرنی و ناصر العمر بودند. با این حال جدای از وجوه مشترک زیاد، وعاظ صحوه یک جبهه واحدی را تشکیل نمی دادند. از ابتدا،

تعداد زیادی از جریانات حاشیه ای، برخی نزدیک به وهابیت و بعضی دیگر نزدیک به اخوان المسلمین وجود داشتند. در میان این گروه اخیر زیر بخش هایی مابین آنچه بنایست ها و قطببست ها خوانده می شدند، قرار داشتند. امروزه چنین تقسیم بندی هایی در مواضع متضاد در خصوص اموری چون روابط با اصلاح طلبان لیبرال، شیعیان یا صوفی ها و گرایش به القاعده یا دیگر اسلام گرایان خشونت طلب تجلی می یابند (۵)

۱-۲-۲-جامعه تبلیغات (جماعه الدعوه)

از زمان اشغال مسجد بزرگ کعبه، مظاهر گسترده رستاخیز مذهبی به ویژه در میان دانشجویان دانشگاهها و دانشکدهها، آشکار شده است. این بنیادگرایان جدید، خود را در جماعات الدعوه (جوامع تبلیغات) سازماندهی کرده اند، اما علی رغم شور و هیجان پاکدینی شان، تاکنون از خود گرایش های انقلابی بروز نداده اند. بنیادگرایی در محیط های دانشگاهی به ظواهر خارجی محدود نمی شود.

جنبش اصلاح طلب اسلامی حرکه الاصلاحیه، که بارزترین جنبش شیعی است، با مصالحه و تسامح در برابر نظام، تأکید بر تحکیم موقعیت شهروندی شیعه در حکومت و مبارزه صلح آمیز و سیاسی با هدف دستیابی به حقوق خود همانند شهروندان دیگر و مشارکت در ایجاد دموکراسی و اصلاح در کشور شناخته می شود.

موج جدید تفکر اسلام گرایانه را می توان در این جمله خلاصه کرد: «ما نمی توانیم تنها از طریق خواندن قرآن و تاریخ در این رژیم های ضعیف خود را نیرومند کنیم، بلکه مطالعه علم، و استفاده از تکنولوژی غرب علیه غرب نیز لازم است». این شعار، علاقه جدید جوانان را به کسب علم و تکنولوژی نشان می دهد. دانشجویان بنیادگرا، با تحصیل در دانشگاه های امریکایی و اروپایی نیز شدیداً مخالفت می کنند، چون معتقدند که دولت با استفاده از این سیاست قصد دارد روحیه اسلامی آنها را ضعیف کند. تجدید حیات طلبی اسلامی در میان دانشجویان سعودی در امریکا نیز، که به همان طریق تحت فشار قرار دارند، متداول است (۶)

۱-۲-۳-کمیته دفاع از حقوق قانونی

این گروه در اواسط سال ۱۹۹۳، طی بیانیه ای در ریاض اعلام موجودیت نمود. سخنگوی این حزب محمد المسعری قبل از اعلام موجودیت با دیپلمات های امریکایی ملاقاتی داشت. چند روز پس از اعلام موجودیت این گروه که با تبلیغات زیادی صورت گرفت، دولت عربستان سعودی ابتدا مجوز علما را گرفت و از آنان خواست تا تشکیل این گروه را محکوم نمایند. موسسان این حزب شش نفر بودند که از میان آنها سه نفر استاد دانشگاه، دو نفر وکیل و یک نفر کارمند عالی رتبه دولت است.

پس از سرکوب شدید این گروه توسط دولت، محمد المسعری پس از چند ماه زندان و شکنجه آزاد شد و توانست به همراه چند تن از نزدیکانش از طریق مرز یمن از عربستان خارج شده و به انگلیس برود و درخواست پناهندگی نماید. تشکیل این حزب مورد حمایت کمیته بین الملل حقوق بشر خلیج فارس و شبه جزیره عربستان مستقر در واشنگتن قرار گرفت.

این کمیته در سال ۱۹۹۵ دچار انشعاب گردید و سعد الفقیه سخنگوی کمیته که با المسعری اختلاف داشت، از او جدا شد و گروهی را به نام جنبش اصلاح اسلامی تأسیس نمود. این دو گروه جزو جریان های روشنفکر مذهبی عربستان محسوب می شوند که طرز عمل آنها در داخل و خارج عربستان مشابه است. همچنین این دو گروه با دوری جستن از برخوردهای خشن، بیشتر کار خود را بر تبلیغات و آگاهی بخشی مردم بنا نهاده اند و به این دلیل نگرانی های جدی ای را برای حکومت پدید آورده اند (۷)

۱-۳-۱- معترض

اسلام گرایان معترض (که بعضی اوقات به عنوان نوسلفی ها مطرح می گردند)، اغلب هم مورد غفلت تحلیل گران قرار گرفته و هم با روحانیون صحوه اشتباه گرفته می شوند. آنها برخلاف اصلاح طلبان صحوه، بر مسائل مربوط به سرنوشت فردی، اخلاقیات و اعمال و مراسم عبادی و دینی که در تقابل با امور سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی قرار می گیرند، تمرکز نموده و با مفهوم ملت - کشور مخالف بوده و به دنبال نه تنها تعدیل، بلکه از بین بردن آن هستند. (اغلب از طریق پس کشیدن و بعضی وقت ها انقلاب) جایی که اصلاح طلبان در مدارس و دانشگاه ها تسلط دارند، معترضین همه از آموزش رسمی اجتناب نموده و در پی آموزش دینی در هر جایی می باشند.

۱-۳-۱- نوسلفی ها

در واقع نسبت به روحانیون صحوه، در میان نوسلفی ها به لحاظ رویکرد و ساختار سازمانی، تعدد و تنوع بیشتری وجود دارد. اسلام گرایی معترض سعودی به اشکال مختلف با سازمان ها و ارگان هایی چون سازمان تحت قیادت جهیمان العتیبی که در سال ۱۹۷۹ حرم شریف مکه را متصرف گردید؛ مجامع ریشه داری که نوعاً از جامعه کنار کشیده و زندگی بسیار محافظه کارانه و تعصب آمیز خشکی را اختیار نمودند و دوایر مطالعات دینی غیررسمی که هم وهابیت مسجدی و هم آموزش های متمرکز در مدارس و دانشگاه های صحوه را رد نمودند، نمایانده می شوند.

عینی ترین و سازمان یافته ترین تجلی معترضین جنبش جماعه السلفیه المحتسبه بود که در اواسط دهه ۷۰ در مکه نضج گرفت. این جنبش تا حدودی با الهام از دیدگاه های یک عالم و استاد اهل سوریه به نام ناصر الدین الالبانی (۱۹۹۹-۱۹۰۹) کلیه مکاتب فقهی اسلامی از جمله وهابیت را رد کرد؛ تا حدی که وارد میزانی از ارزیابی و قضاوت انسانی با تمسک به نقل لفظی حدیث (سنت و رفتار پیامبر) به عنوان تنها منبع حقیقت دین شد. اگرچه اساساً به مرور زمان عدم توافقات وی با نهاد

وهابیت به مسائل عبادی بر می گشت، ولی جماعه السلفیه المحتسبه به صورت یک جنبش اعتراضی کاملاً ناپخته اجتماعی سیاسی ظاهر شد که مفسرین اهمیت و قدر و منزلت آن را وسیعاً مورد غفلت قرار دادند.

از زمان اشغال مسجد بزرگ کعبه، مظاهر گسترده رستاخیز مذهبی به ویژه در میان دانشجویان دانشگاهها و دانشکدهها، آشکار شده است. این بنیادگرایان جدید، خود را در جماعات الدعوه (جوامع تبلیغات) سازماندهی کرده اند، اما علی رغم شور و هیجان پاکدینی شان، تاکنون از خود گرایش های انقلابی بروز نداده اند.

این امر تا حدودی با پیامد قیام سال ۱۹۷۹ تشریح گردید که طی آن یک بخش رادیکال جماعه السلفیه المحتسبه را گروهی حاشیه ای، نسبتاً بی اهمیت و کم دوام افراطیون نجات بخش دانستند. در واقع، اگر چه این جماعت به عنوان یک سازمان پس از وقایع مکه ناپدید شد، بخش اعظم عقاید اساسی جهیمان به ویژه انتقاد از فساد اجتماعی و زوال اخلاقی در نوشته هایش او را پایدار و برقرار کرد.

در دهه ۸۰ بقایای جماعه السلفیه المحتسبه به کویت، یمن و صحاری شمال عربستان پناهنده شدند. یک دهه بعد، گروه های اسلام گرای جوان که خود را طالبان علوم دینی (طلبه علم) می نامیدند و خود را وارث مستقیم و بلافصل جماعه السلفیه می دانستند، هنوز یافت می شدند که به دنبال این بودند تا در میان بدوی های صحرا رفقا و همراهان جهیمان باشند. آنها با کناره گیری از مساجد و دانشگاه ها، گروه های مطالعات دینی در منازل خود تشکیل دادند. اگرچه آنان نوعاً در ریاض و اغلب در آپارتمان های مشترک زندگی می کردند، اما به دلایل علمی خود را از جامعه ای که گناه آلوده می دانستند و همچنین از دمل های چرکین آن کنار کشیده بودند. آنها دولت را غیرمشروع، صحوه را متمایل به سیاست و جهادی ها را غافل از امور دینی می دانستند (۸)

۱-۳-۲ - اخوان المسلمین

این گروه متعلق به جامعه اصول گرایی اهل سنت است که اهداف اخوان المسلمین مصر را دنبال می کند و در سال ۱۹۲۸ از مصر نشأت گرفت (۹) از دهه ۶۰ به بعد عربستان سعودی به تدریج ارتباطات خود با جهان خارج را گسترش داد، درست در زمان سیاسی و رادیکال شدن منطقه، شهروندان خود را در معرض مباحثات سیاسی گسترده ای قرار داد. افزون بر این دولت سعودی به تعداد زیادی از جماعت اخوان المسلمین مصر و سوریه که در کشورهای خود توسط رژیم های بعثی و ناصری تحت تعقیب بودند، پناه داد. در این خصوص یکی از دلایل این امر، ملاحظات عملی بود و آن اینکه عربستان سعودی به جهت نوسازی سریع منبعث از نفت، نیاز فوری به متخصصین کارآموده داشت.

اخوان المسلمین به عربستان آمدند تا نقش کلیدی در امور اداری جدید و در حال گسترش به ویژه در آموزش و پرورش یعنی جایی که مواد و عناوین درسی مدارس و دانشگاه ها را برنامه ریزی کرده و بخش عظیمی از نیروها و قابلیت های خود را در این زمینه ها ایفا نمایند. سیاست منطقه ای دلیل دیگر امر فوق الذکر به شمار می رفت: ریاض از قرائت سیاسی اخوان

المسلمین از اسلام به عنوان سلاحی در اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک خود با همسایگان بعثی و ناصری بهره برداری می نمود (۱۰)

۱-۳-۳- اخوان

اخوان المسلمین نباید با اخوان که یک نیروی قبیله ای تابع اقتدار پادشاه عبدالعزیز بود، اشتباه گرفته شود (۱۱) آغاز به کار جنبش اخوان را می توان در اوایل دهه ۶۰ جست و جو کرد، در آن زمان شاهزاده خالد بن مساعدن عبدالعزیز و برخی از دوستانش ریاست آنرا برعهده داشتند. این جنبش کوچک از طریق مخالفت با سیاست های ملک فیصل در رابطه با نوسازی فزاینده و به ویژه آوردن تلویزیون به کشور در سال ۱۹۶۵ به یک خطر بالقوه تبدیل شد. در حالی که اخوان جدید، ارتباط سازمانی با گروههای اولیه ندارد، اما به رغم شکاف میان دو نسل، تداوم ایدئولوژیک کاملاً مشهودی ملاحظه می شود. هیأه کبار العلماء تقریباً تنها نهاد دینی عربستان است که به نحوی کلیه فعالیتهای مذهبی و رسمی از طریق آن انجام می شود. نهاد فوق در زمان ملک فیصل تحت عنوان دارالفتوی و نظارت بر امور دینی تشکیل گردید و ریاست آن بر عهده شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ که در آن زمان مفتی کل عربستان بود نهاده شد.

در واقع تعهد ایدئولوژیک گروههای جدید ممکن است از تعهد اجداد قبیله اشان در دوران عبدالعزیز که تا اندازه ای قصد کسب غنیمت داشتند، بیشتر باشد. اخوان جدید همچنین برخلاف اجداد و اسلاف خویش غالباً از جوانان تحصیلکرده و شهرنشین هستند و در نتیجه در معرض تأثیر و نفوذ غرب گرایی قرار دارند. اما یک ویژگی برجسته اخوان جدید، بنیادگرایی اصیل آنهاست. دعوت اخوان خواستار بازگشت قطعی و سازش ناپذیر به قرآن و سنت است و به این ترتیب مخالفت با پادشاهی شامل مخالفت با شعار وهابی سعودی نیز می شد، هر چند که گروه برخلاف عبدالوهاب و تعالیم او اقدام کنند (۱۲)

۱-۴- جهادی

جهادگرایی سعودی نسبتاً پدیده سیاسی جدیدی است. ریشه های آن به خیزش پان اسلام گرایی افراطی در عربستان سعودی در دهه ۱۹۸۰ بر می گردد. اما ریشه های اسلام گرایی به قرن نوزدهم و بر اساس ایده امت برای مواجهه با چالش های جهان مدرن باز می گردد (۱۳) ریشه های جهادگرایی فعلی را می توان در مشارکت هزاران سعودی در جنگ افغانستان علیه اتحاد شوروی که فعالانه رژیم سعودی در آن زمان آن را مورد تشویق قرار داده و امور آنها را تسهیل می نمود، ردیابی کرد. علاوه بر کمک های لجستیکی و مالی که دولت به مجاهدین آینده ارائه می داد، نهاد دینی رسمی هم جنگ در افغانستان را یک تکلیف جمعی برای مسلمانان اعلام کردند (برای نمونه عبدالعزیز بن باز مفتی اعظم عربستان در آن زمان، فتوایی صادر کرد که بر اساس آن جهاد در افغانستان یک وظیفه و تکلیف جمعی بود)

۱-۴-۱- القاعده در شبه جزیره عربستان

القاعده شبه جزیره عربستان یک ساختار بسیار ساده دارد که در آن مبارزان در گروه های شدیداً مجزا و منفک دست به عمل می زنند، لیکن خود را بخشی از یک جنبش واحد و همبسته می نگرند. آگاهی سازمانی و جمعی آنها با علایق اخوت شدیدی که در کمپ های آموزشی افغانستان یا از طریق تجارب مشترک به عنوان شورشی یا فراری در عربستان حاصل آمد؛ دیدگاه ایدئولوژیک مشترک که بر نیاز به محو حضور آمریکا در شبه جزیره عربستان متمرکز است؛ و یک دستگاه رسانه ای پیچیده که موجب انسجام سیاسی شده و روحیه عملیات میدانی را تقویت می نماید، تحکیم شده است.

اکثر اعضای القاعده شبه جزیره عربستان در کمپ های آموزشی القاعده در افغانستان در دهه های ۸۰ و ۹۰ حضور داشتند (۱۴) القاعده خود را از تفکر آشنای جهادی - با تمرکز بر دشمن دور یعنی یهود و صلیبی ها و اساساً ایالات متحده - متمایز نمود (۱۵)؛ اگرچه دشمن نزدیک - رژیم های کشورهای اسلامی - به عنوان فاسد، سرکوبگر و غیر اسلامی محسوب شده و لذا باید برانداخته شوند. اسناد و مدارک حکایت از سه طیف از مبارزان القاعده شبه جزیره عربستان دارند: جنگجویان کارآزموده دهه ۸۰ در جنگ افغانستان؛ شرکت کنندگان در کمپ های آموزشی القاعده، عمدتاً بین سال های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ در افغانستان؛ و آنهایی که از سال ۲۰۰۱ در عربستان سعودی به کار گرفته شده و احتمالاً آموزش داده شدند.

۲- اسلام گرایی شیعی

۲-۱-۲- معترض

اسلام گرایان معترض شیعی در دهه ۱۹۷۰ سازماندهی پیدا نمودند و بخصوص با الهام گیری از انقلاب اسلامی ایران توانستند دامنه داخلی پیدا نموده و نیروهای معترض شیعی را جذب نمایند. فعالیت این اسلام گرایان کمتر از دو دهه بود و بخصوص با محبوبیت جنبش اصلاحیه و توان چانه زنی با حکومت در سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳، در شیعیان میانه رو و معتقد به اصلاحات جذب گردیدند و امروزه غیر از برپایی تظاهرات اعتراضی پراکنده در مناطق شیعیه نشین همچون قطیف و العوامیه نتوانسته اند منشأ اثر گردند. در واقع دو عامل بر این تصمیم شیعیان معترض اثرگذار بود: عامل اول موفقیت های جنبش اصلاحیه در تعامل و چانه زنی با حکومت و عامل دوم هم آگاهی از قدرت سرکوبگر دولت سعودی.

۲-۱-۱-۲- جنبش مبلغان طلایه دار در قطیف

در سال های دهه ۱۹۷۰ گروهی از فعالان عضو جنبش مبلغان طلایه دار، که رهبری آن را شیخ حسن الصفار و شیخ توفیق السیف بر عهده داشتند، فعالیت خود را در منطقه قطیف آغاز نمودند. در کویت جنبش مبلغان طلایه دار با حمایت آیت الله محمد شیرازی و متأثر از اندیشه های وی و به ریاست محمد تقی مدرس، که پایگاه آن مدرسه رسول الاعظم بود، کار خود را آغاز کرد. مکتب فکری شیرازی در کل تفسیر جدیدی از اعتقادات فقه و تاریخ اسلام ارائه می کرد.

منظور از اسلام گرایان سنتی یا وهابیت حکومتی یا وهابیت علمی، همان وهابیت مرسوم تاریخی است که تحت عنوان وهابیت کلاسیک شناخته می شود. این جریان اصلی از زمان محمد بن عبدالوهاب آغاز شد و زمینه شکل گیری سایر شاخه های وهابی را فراهم نمود.

آنها در مباحث خود، موقعیت سیاسی امت اسلامی، نقد سیر مذهبی سنتی در میان شیعیان و اهمیت تحول روشنفکری در جهان اسلام را بازگو می کردند. افزون بر این فعالیت ها آنها به پخش کتاب، نشریه و نوارهای صوتی آیت الله شیرازی اقدام می نمودند. سرانجام فعالیت های اعضای جنبش، که با هدف آگاه ساختن شیعیان از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و مذهبی جامعه و ترغیب آنها در نقد انفعالات در عرصه دین و سیاست انجام می شد، زمینه جنبشی سازمان یافته را فراهم کرد.

-۲-۱-۲ سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب

در سال ۱۹۷۰ مبارزات مردم مسلمان شبه جزیره عربستان شکل گرفت و سازمان انقلابی با نام سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان به وجود آمد که تا چندین سال فعالیت های آن به صورت پراکنده بود. این سازمان به جای حمایت از خشونت، خواستار تعلیم و آگاهی دادن به توده ها بود. شاخه سعودی این سازمان فعالیت خود را در سال ۱۳۹۵ق (۱۹۷۵) علنی کرد. رهبران سازمان به سهم جوانان و زنان اعتقاد خاصی داشتند. سازمان بیشتر افرادی از طبقه متوسط و پایین جامعه را به سوی خود جذب کرد و گستره عضویت خود را فقط به عربستان محدود نکرد.

با الهام از تعالیم نظریه پردازان جنبش مبلغان طلایه دار، رهبران سازمان موفق شدند حمایت های مردمی را کسب کنند و خشم و نارضایتی شیعیان را علیه رژیم هدایت کنند. چند ماه پیش از انتفاضه منطقه شرقی، الصفار حرکت اصلاح شیعی را سازمانی برای انقلاب اسلامی در شبه جزیره (منظم الثوره الاسلامیه فی جزیره العرب) نامید. مهم ترین تحولی که پس از انتفاضه روی داد ظهور سازمان انقلاب اسلامی در محرم ۱۴۰۰ق (دسامبر ۱۹۷۹م) بود که فصلی نوین را در روابط میان شیعیان و حکومت رقم زد (۱۶)

در سال ۱۹۸۷ کمیته مرکزی جنبش تصمیم گرفت تا پس از صدور فرمان عفو عمومی به وسیله پادشاه عربستان، بتدریج به کاهش تنش با رژیم سعودی اقدام کند. بدین ترتیب سازمان از یک گزینه افراطی و تهاجمی به دیدگاهی متعادل و مدرن تغییر جهت داد و علل آن نیز افزون بر پایان یافتن جنگ اول خلیج فارس، این بود که رهبران سازمان از پیام ها و تاکتیک های تهاجمی خسته شده و دریافته بودند که براساس واقعیت جمعیتی _ شیعیان نمی توانند انقلابی موفق را به راه اندازند و افزون بر آن الگوگیری از نمونه ایران نیز با واقعیت جامعه شیعی عربستان تناسب چندانی ندارد و با خشونت نمی توان به سازش بر سر مسائل مذهبی و سیاسی و اجتماعی رسید.

به گفته شیخ حسن الصفار، که از رهبران این حرکت بود، آنها بعد از قیام حج توسط ایرانیان در سال ۱۴۰۸ق، به این جهت که به ابزاری در درگیری‌ها تبدیل نشوند و جانب‌دار حکومت ایران علیه دولت سعودی نگردند، تصمیم گرفتند از ایران خارج شوند. در اوایل سال ۱۹۹۱ سازمان انقلاب اسلامی برای حذف لحن انقلابی و مذهبی‌اش به «الحركة الاصلاحیه» تغییر نام داد (۱۷)

اسلام‌گرایان میانه‌رو و از سوی دیگر اصلاح‌گرا شامل گروه‌هایی است که در ساختار سازمانی خود معتقد به رویه‌های معتدل در برخورد با مسائل اجتماعی و برخورد با حکومت هستند و بخصوص بعد از سرکوب از سوی دولت در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی، مشی اعتراضی خود را تبدیل به مشی گفتگو و چانه‌زنی نموده‌اند.

۲-۱-۳ حزب الله حجا

حزب الله یک گروه انقلابی است که در دهه ۸۰ به وسیله تعدادی از شیعیان تشکیل شد. این گروه پس از آشتی سازمان حرکت الاصلاحیه با حکومت، اهمیت بیشتری یافت و از سوی شیعیان مورد اقبال بیشتری قرار گرفت. این گروه در سال ۱۹۸۷ به دست تنی چند از روحانیان مشهور، از جمله شیخ هاشم الشکوس، شیخ عبدالرحمن الجبیل و عبدالجلیل الما، تأسیس شد.

حزب الله نسبت به مذاکرات با دولت سعودی مخالفت شدیدی نشان داد و تأکید کرد که باورهای اصلی حزب در وهله اول آن است که حکومت سعودی نماینده همه جمعیت عربستان نیست؛ دوم، این حکومت واجد شرایط حکومت بر این کشور نیست؛ سوم دولت سعودی فاسد و دروغ‌گوست و چهارم اینکه کل جمعیت عربستان، به ویژه شیعیان، باید با یکدیگر همکاری، و روابط خود را تقویت کنند و هوشیارانه برنامه‌های رژیم را زیر نظر بگیرند. به اعتقاد گروه حزب الله حکومت به تعهداتش پای بند نخواهد بود و پیش از آنکه مخالفان از فشار خود بکاهند دولت باید حسن نیت خود را اثبات کند. یکی از این روحانیان معترض شیخ نمر النمر، امام مسجدی در روستای عوامیه در شمال قطیف، است (۱۸)

۲-۲-۲ میانه‌رو و اصلاح‌گرا

قدرت سرکوبگری دولت سعودی در برخورد با خیزش‌های اعتراضی اسلام‌گرایان شیعی و سنی در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی از یکسو و شرایط مساعد منطقه‌ای از سوی دیگر موجب شد تا بسیاری از این جنبش‌ها در سیاست‌های خود تجدید نظر نموده و به گفتگو با حکومت بپردازند. تبدیل سازمان انقلاب اسلامی به حرکت الاصلاحیه نمونه‌ای از انعطاف در مواضع جنبش‌های شیعی بود که منجر به گفتگوهای ملی با حکومت گردید و نتایج قابل توجهی را برای شیعیان استان شرقی عربستان فراهم نمود. در واقع امروزه میانه‌روی و اصلاح از برجسته‌ترین و مورد قبول‌ترین استراتژی میان شیعیان می‌باشد و بر اساس واقعیت‌های پیش‌رو، مقدمات و محذورات پیکربندی می‌گردد.

۲-۲-۱ حرکت الاصلاحیه

همان گونه که ذکر شد، سازمان انقلاب اسلامی در اوایل سال ۱۹۹۱ «الحرکه الاصلاحیه» تغییر نام داد و اعلام کرد که خود را جنبشی وطن پرست می‌داند. اعضای جنبش، فعالیت رسانه‌ای بارزی را در لندن و واشنگتن سامان دادند و کتاب‌ها و نشریاتی منتشر کردند. افزون بر این آنها کمیته بین المللی حقوق بشر را تأسیس، و با سازمان عفو بین المللی ارتباط برقرار کردند. سرانجام دولت سعودی به چند دلیل، که از جمله آنها تحولات ایدئولوژیکی جنبش اصلاحیه از حالتی انقلابی به اصلاحی بود، حاضر شد با نمایندگان جنبش گفت‌وگو و مذاکره کند.

در سپتامبر ۱۹۹۳ هیئتی از جنبش اصلاحیه شامل توفیق السیف، جعفر الشایب، صدیق الجبران و عیسی مزعل وارد جده شدند و با ملک فهد دیدار کردند. در پی گفت‌وگوها عکس العمل اعضای دولت به بسیاری از خواسته‌ها مثبت بود و قول‌هایی مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و رفع ممنوعیت ورود و خروج شیعیان به کشور داده شد.

در میان اعضای این جنبش نسبت به عملکرد دولت دیدگاه‌ها و مواضع گوناگونی وجود داشت. عده ای بر بازگشت به کشور و فشار از داخل به کشور دم می‌زدند، در حالی که عده ای دیگر، که اکثریت اعضای کمیته مرکزی جنبش بودند، استدلال می‌کردند که بازگشت به کشور به خودی خود کافی نیست و جنبش برای فشار آوردن بر دولت برای سرعت بخشیدن به خواسته‌های بنیادین جامعه شیعیان کشور را ترک کرده است. باین حال پس از فرمان عفو عمومی در سال ۱۹۹۳ بیشتر اعضای جنبش به کشور بازگشتند و از راه گفت‌وگو کوشیدند مطالبات و خواسته‌های شیعیان را پیگیری کنند.

این جنبش اصلاح طلب اسلامی شیعی، که بارزترین جنبش شیعی است، با مصالحه و تسامح در برابر نظام، تأکید بر تحکیم موقعیت شهروندی شیعه در حکومت و مبارزه صلح آمیز و سیاسی با هدف دستیابی به حقوق خود همانند شهروندان دیگر و مشارکت در ایجاد دموکراسی و اصلاح در کشور شناخته می‌شود. کاندیداهای غیررسمی این شبکه در انتخابات شورای شهر در سال ۲۰۰۵ در شهرهای شیعه‌نشین تقریباً همه آرا را به دست آوردند (۱۹)

۲-۲-۲- جماعه علماء الحجاز

این سازمان در دهه ۸۰ میلادی به وسیله جمعی از طلاب و علمای شیعه عربستان تشکیل شد. مقر اصلی این گروه در لبنان و سوریه است و بیشتر فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی انجام می‌دهند.

پی نوشت:

۱. احمد موثقی، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۱.
۲. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت پیشه، موسسه ابرار معاصر تهران، صص ۲۰۱-۲۰۰.

۳. ستيفان لاکروا، زمن الصحوه: الحركات الاسلاميه المعاصره في السعوديه، الترجمة بإشراف، عبدالحق الزموري، الطبعة الأولى، بيروت، ۲۰۱۲، ص ۷۶-۷۴.

۴. Mamoun Fandy, Saudi Arabia and The Politics of Dissent (Baginstoke, ۱۹۹۹), P.۴۸.

۵. ICG Middle East Briefing, Islamism in North Africa II: Egypt's Opportunity, ۲۰ April ۲۰۰۴.

۶. هانری کوربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۰،

۷. حسن گلیوند درویش وند، ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، تهران: دانشکده وزارت خارجه، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲.

۸. اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، ترجمه محسن یوسفی، موسسه ابرار معاصر تهران، فروردین ۱۳۸۶، صص ۱۱۲-۱۰۹.

۹. الإخوان المسلمون فی الخلیج، مجموعه باحثین، مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبی، الإمارات العربیه المتحده، أغسطس (آب) ۲۰۱۱، ۸.

۱۰. Alexei Vassiliev, The history of Saudi Arabia, London, ۲۰۰۰.

۱۱. الإخوان المسلمون فی الخلیج، مجموعه باحثین، مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبی، الإمارات العربیه المتحده، أغسطس (آب) ۲۰۱۱، ۸.

۱۲. قیام کعبه سرآغاز خونین، ترجمه شاکر کسرای، تهران: انتشارات نو، ۱۳۶۰

۱۳. Islamist violence and regime stability in Saudi Arabia, Thomas Hegghammer, International Affairs ۸۴: ۴ (۲۰۰۸), p. ۷۰۱.

۱۴. پیشین، اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، ص ۱۴۱.

۱۵. خالد عبدالله المشوح، التيارات الدينية في السعوديه؛ من السلفيه الى جهاديه «القاعده» و ما بينهما من تيارات، بيروت- لبنان، الطبعة الثانيه ۲۰۱۲، ۱۵۰.

۱۶. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت پیشه، تهران: موسسه ابرار معاصر، ص ۲۰۴.

۱۷. فؤاد ابراهیم، شیعیان عربستان، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران: مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۶، صص ۱۵۴-۱۵۳.

۱۸. آر. هرایر دکمجیان، اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۷۷، صص ۲۵۸ - ۲۵۷.

۱۹. International Crisis Group, "The Shiite Question in Saudi Arabia," Middle East Report, No. ۱۸: (September ۲۰۰۵)، ۴۵.